

## بررسی و تحلیل ابعاد تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث از آیات قرآن کریم

### با رویکرد به نظریه بینامتنی ژرار ژنت

اکرم ظفری خرواج<sup>۱</sup>؛ دکتر بتول فخر اسلام<sup>۲</sup>؛ دکتر سید حسین سیدی<sup>۳</sup>؛ دکتر اکبر شعبانی<sup>۴</sup>

#### چکیده

در سال‌های اخیر، در عرصه نقد ادبی نظریه‌ای تحت عنوان نقد بینامتنی رواج پیدا کرده است که بر اساس آن، هیچ‌یک از متون دارای هویت مستقل نیستند و تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم آثار پیش از خود خلق شده‌اند. چهارچوب‌های نقد بینامتنیت برای نخستین بار از سوی ژولیا کریستوا تبیین شد؛ ولی با آراء ژرار ژنت به اوج رسید، به طوری که امروزه نظرات ژنت به‌عنوان الگو در بررسی‌های میان‌متنی در نظر گرفته می‌شود. او بینامتنیت را به سه دسته: آشکار، ناآشکار و ضمنی، تقسیم کرده است که همه متون خلق‌شده ذیل آن جای می‌گیرند. یکی از زیرمتن‌هایی که شاعران به آن توجه می‌کنند، نویسه‌های دینی است که در گستره ادب فارسی معاصر، اخوان‌ثالث در زمره شاعرانی قرار دارد که مسائل دینی را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. او با استناد به مهم‌ترین متن دینی اسلامی یعنی قرآن، بخشی از ذهنیات خود را شرح داده و با مخاطبان به اشتراک گذاشته است. به این اعتبار، در مقاله حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، ابعاد تأثیرپذیری اخوان‌ثالث از آیات قرآن در چهار لایه محتوایی، واژگانی، ساختاری و داستان‌های آیینی بررسی و کاویده شده است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود؛ که: الف) اخوان‌ثالث در چه سطوحی از آیات قرآن تأثیر پذیرفته است؟ ب) کاربرد کدام‌یک از ترازهای نگره بینامتنی در شعرهای اخوان‌ثالث بیشتر بوده است؟ برای پرهیز از پراکنده‌گویی از مبانی نظریه بینامتنی ژنت استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ که شاعر برای تبیین مفاهیم سیاسی، اعتقادی، توصیفی، اعتراضی-فلسفی، اخلاقی و غنایی از متن متقدم، یعنی قرآن استفاده کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن مجید، مهدی اخوان‌ثالث، بینامتنیت، ژرار ژنت.

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران. [akramzafarikh@gmail.com](mailto:akramzafarikh@gmail.com)

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران. [Bt\\_fam12688@yahoo.com](mailto:Bt_fam12688@yahoo.com)

۳ استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. [seyadi@um.ac.ir](mailto:seyadi@um.ac.ir)

۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران. [akbar\\_shabany@yahoo.com](mailto:akbar_shabany@yahoo.com)

پیشرفت و فرگشتی که در دانش نقد، به ویژه در چند دهه اخیر پدید آمده، چهارچوب‌های نظریه‌های قبلی را درهم شکسته و نگره‌های تازه‌ای را در گستره نقد، به وجود آورده است. نقد ادبی به سویه‌های درونی یک یادمان ادبی توجه می‌کند و پیوندهای میان نویسه‌ها را می‌کاود و کارایی و پذیرش آن‌ها را بر یکدیگر بررسی می‌کند. در گستره نقد ادبی این موضوع به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است که هیچ اثری بدون آن‌که نشانه‌های آثار ماقبل خود را منعکس کند، به وجود نمی‌آید. (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۴) به عبارت دیگر، وقتی اثری ادبی خلق می‌شود، در بطن آن، نشانه‌های پیدا و پنهانی از متون پیشین نمود دارد. گاهی سراینده اثر به آن اشاره می‌کند و گاهی، گستره این اثرپذیری‌ها مستتر باقی می‌ماند؛ بنابراین، هرگز نمی‌توان و نباید به متنی مستقل و بدون پیشینه باور داشت. از آن‌جا که ادیبان فارغ از هر ژانر و گونه ادبی، به آثار متقدم خود نظر دارند، می‌توان نشانه‌های تأثیرپذیری را در متون مختلف مشاهده کرد. شاعران در برخی موارد، نیم‌نگاهی به متن متقدم دارند و از تکنیک‌های به‌کاررفته در اثر متقدم بهره می‌گیرند تا بر اثرگذاری کلام خود و کیفیت اثری که می‌آفرینند، بیفزایند.

ژولیا کریستوا برای نخستین بار، نگاره بینامتنی را در سال‌های پایانی دهه شصت در میان گذاشته است. اگرچه پیش از او، میخائیل باختین به این جستار پرداخته بود؛ اما کریستوا برای نخستین بار از واژه «بینامتنی» (Intertextualite) استفاده کرده است. (آلن، ۱۳۸۵: ۵۹) این نگره بر بایستگی پیوند میان نویسه‌های گوناگون پافشاری دارد. از نگاه کریستوا، متن‌های پسین می‌توانند با متن‌های پیشین، به‌گونه‌ای کنش‌گرایانه رفتار کنند و نشانه‌های آن‌ها را دگرگون کنند. (همان: ۵۹) زمانی کوتاه پس از این، «ژنی و ریفاتر رویکرد نظری کریستوا را کمی کاربردی‌تر کردند». (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۲۸) ژنی دامنه بینامتنیت را به فراسوی واژگان کشانید و در این راه، بینامتنیت را به دو گونه ضعیف و قوی گروه‌بندی کرد. از نگاه او، اگر پیوند بینامتنی دو نویسه، در تراز نشانه‌ها و درون‌مایه‌ها قرار گیرد، باید آن را قوی دانست؛ اما اگر چنین پیوندی تنها در بخش نشانه‌ها جلوه‌گر شود، باید آن را ضعیف به‌شمار آورد. (همان: ۲۳۷) از سوی دیگر،

ریفاتر بینامتنیت را به دو گونه حتمی و احتمالی بخش کرده است. از دیدگاه او، اگر در نویسه به پیوند بینامتنی با نویسه‌ای دیگر اشاره شده باشد، باید آن را حتمی دانست؛ اما اگر خواننده به تنهایی و بر پایه کارآزمایی خود، پیوندی بینامتنی را بازشناسی کند، باید آن را احتمالی به شمار آورد؛ بنابراین، بینامتنیت احتمالی به دانش و فرهنگ خواننده بستگی دارد و در برابر، بنیاد بینامتنیت حتمی، بر پایه متن و نویسه، بنا نهاده شده است. (همان: ۲۷۷) از دیگر نگره‌پردازان بینامتنیت، ژرار ژنت است. او در نظریه خود با عنوان «بینامتنیت»، به اصل تأثیر و تأثر اشاره می‌کند و با طراحی چهارچوب‌هایی برای نظریه خود، میزان و کیفیت این تأثیر و تأثر را مورد بررسی و تدقیق قرار می‌دهد.

### ۱-۱. بیان مسأله

همان‌طور که بیان شد، نشانه‌های میان‌متنی در همه آثار وجود دارد. به این اعتبار، در اشعاری که در گستره ادب فارسی سروده می‌شوند، می‌توان نشانه‌هایی از میراث ادبی و غیرادبی گذشته را مشاهده کرد. جامعه ایرانی متشکل از بافتی دینی و سنتی است و مقوله مذهب در بخش‌های گوناگون زندگی ایرانیان نفوذ و نمود دارد. ادبیات نیز، از این تأثیرپذیری‌ها برکنار نبوده است. به طوری که نشانه‌های آشکار و پنهان این متون و مفاهیم در شعرها دیده می‌شود. به دلیل ارتباط نزدیکی که مخاطبان اشعار با متون دینی دارند، سراینده‌گان سعی می‌کنند برای تسهیل در فرآیند درک مخاطبان از متن تولیدی، از بن‌مایه‌های دینی استفاده کنند. این امر در شعر معاصر و به ویژه در سروده‌های اخوان ثالث هم دیده می‌شود. اشعار او در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری کم‌نظیر هستند و در میان عوام و خواص با استقبال مواجه شده‌اند. بی‌تردید، سهم پیشینیان در مقبولیت سروده‌های اخوان نزد مردم، قابل چشم‌پوشی نیست و در کنار هوشمندی و قدرت ادبی وی، از معیارهای مهم و اثرگذار در خلق اشعار باکیفیت به شمار می‌آید. اخوان با تأثیرپذیری از داشته‌های فکری گذشتگان و با ارائه خوانشی نوین از متون متقدم، موفق به آفرینش اشعاری شده که نام او را بر بلندای شعر فارسی معاصر قرار داده است؛ بنابراین، شعر اخوان را باید محصول هم‌فکری او با متون دیگر دانست که در این بین، سهم متون دینی خاصه قرآن کریم برجسته‌تر است. او به مفاهیم طرح‌شده

در ادیان گوناگون از جمله اسلام توجه کرده است. در نتیجه، مقاله حاضر تلاشی برای بازنمایی آن بخش از تأثیرپذیری‌های اخوان‌ثالث از موضوعات مرتبط با اسلام است تا وجه دیگری از کیفیت سراینده‌گی وی آشکار شود. بدین منظور، از مبانی نظریه بینامتنیت ژرار ژنت استفاده شده است تا کیفیت و گستره این تأثیرپذیری مشخص شود و با تکیه بر یک نظریه روشمند و مدون ادبی، از تشتت آراء پرهیز گردد. هدف اصلی در این پژوهش، یافتن پاسخی مناسب و علمی برای پرسش‌های ذیل است:

الف) اخوان‌ثالث در چه سطوحی از آیات قرآن تأثیر پذیرفته است؟  
ب) کاربرد کدام یک از ترازهای نگره بینامتنی در شعرهای اخوان‌ثالث بیشتر بوده است؟

### ۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

در یک نگاه کلی، سبک‌ها به دو نوع شخصی و دوره‌ای تقسیم می‌شوند. در یک اثر ادبی، امکان وجود نشانه‌هایی از هر دو نوع وجود دارد؛ یعنی شاعر می‌تواند اثری بیافریند که برخی ویژگی‌های آن در متون پیشین وجود داشته باشد و یا از تکنیک‌هایی بهره بگیرد که تنها مختص وی است. در هر صورت، متنی که زائیده ذوق و قریحه ادبی شاعر است، نشانه‌هایی از متون متقدم را در خود دارد. با بررسی گستره این تأثیرپذیری‌ها قادر به ارائه تحلیل‌های دقیق‌تری از سروده‌های شاعر هستیم و امکان پی بردن به منظومه فکری او ساده‌تر می‌شود. همچنین، می‌توان دریافت که چه آثاری در پیدایی سبک شخصی یا دوره‌ای آن شاعر خاص اثرگذار بوده‌اند.

دیگر آن‌که وجه جدیدی از کیفیت شاعرانگی اخوان‌ثالث، یعنی توجه به متون اسلامی به ویژه قرآن - که تاکنون در پژوهش‌های ادبی کم‌تر به آن پرداخته است - مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر این فرآیند با عنایت به مبانی نظریه‌ای روشمند صورت پذیرد، یافته‌های پژوهش از روایی افزون‌تری برخوردار می‌شوند؛ زیرا عرصه برای جولان اظهار نظرات شخصی و تشتت آراء از بین می‌رود. با توجه به توضیحات مذکور، اهمیت پرداختن به ابعاد تأثیرپذیری اخوان‌ثالث از قرآن کریم با کاربست مبانی نظریه بینامتنیت ژنت ثابت می‌گردد.

### ۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. جامعه آماری تحقیق، اشعار مهدی اخوان ثالث و حجم نمونه، شامل بیت‌هایی است که شاعر از قرآن تأثیر پذیرفته است. برای پرهیز از پراکنده‌گویی و اظهار نظر شخصی، از مبانی نظریه بینامتنیت ژرار ژنت استفاده شده است. همچنین، شیوه تحلیل و واکاوی ابیات به صورت استقرایی (جزء به کل) می‌باشد. ساختار کلی مقاله به این شکل است که ابتدا توضیحاتی درباره نظریه مذکور ارائه شده و در مرحله بعدی، ابعاد بینامتنی در چهار بخش: بینامتنیت با درون‌مایه آیات الهی، بینامتنیت با واژگان قرآنی، بینامتنیت با آیه‌های قرآن در ساختار بیرونی، بینامتنیت با داستان‌ها و بازگفت‌های قرآن، تبیین شده است.

### ۴-۱. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ پژوهشی، تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث از آیات قرآن کریم با رویکرد به نظریه بینامتنی ژنت، بررسی نشده است که این خلأ پژوهشی بر ابعاد نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید و بدان تمایز می‌بخشد. با این حال، در چند مقاله، رویکردهای دینی شاعر مورد بررسی قرار گرفته است. موسوی (۱۳۸۲) در مقاله تجلی قرآن و حدیث در اشعار مهدی اخوان ثالث به این نکته اشاره می‌کند که مذهب در دوره‌های متفاوت در ذهن اخوان حضوری مستمر داشته است. دانستنی‌های قرآنی و مذهب به صورت اشاره، اقتباس، ترجمه و تلمیح در ذهن شاعر وارد شده و به شعر او سمت‌وسو بخشیده است. واعظزاده و قوام (۱۳۸۹)، در مقاله خود به جلوه‌های مختلف خداباوری در شعر اخوان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند؛ که شاعر در این زمینه بیش از همه تحت تأثیر آراء سارتر و نیچه بوده است. از دید نویسندگان، خدای دیگرگونه اخوان، اهورا نام دارد و دلیل این امر را می‌توان دل‌بستگی او به آیین زرتشتی دانست. بادلو، امیراحمدی و عشقی‌سردهی (۱۳۹۷) در مقاله خود به بررسی مؤلفه‌های اعتقادی در شعر اخوان ثالث پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند؛ که شاعر از اقتباس‌ها و مضمون‌های ظاهری و مستقیم برای وام‌گیری از قرآن و روایات، استفاده کرده است.

## ۱-۵. مفاهیم تخصصی تحقیق

### بینامتنیت ژرار ژنت

ژرار ژنت در سال ۱۹۳۰ میلادی به دنیا آمد. او از سال ۱۹۴۹ میلادی که وارد دانشگاه شد تا به امروز، زندگی خود را در دانشگاه سپری کرده است. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۰۸) آراء او درباره میان‌متنیت در حوزه نقد ادبی سرآمد است و به‌عنوان الگوی اصلی در بررسی‌های مرتبط با تأثیر و تأثر آثار و خالقان آن‌ها بر یکدیگر، مورد نظر قرار می‌گیرد. ژنت در سه یادمان، یعنی «سرمتن»، «الواح بازنوشتنی» و «پیرامتن‌ها»، کردار بوطیقای ساختارگرا را وارد گستره بینامتنی می‌کرده و در انجام این‌کار، نه‌تنها بازننگری‌های عمده‌ای انجام داده؛ بلکه نظریه و نقشه منسجمی که آن را «فرامتنی» می‌خواند، به دست می‌دهد. اصطلاحی که می‌توان آن را «بینامتنیت از دیدگاه بوطیقای ساختاری» نامید. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۱) فرامتنی به پنج دسته یا گونه، بخش می‌شود. ژنت با این پنج دسته؛ یعنی «پیرامتنی، فرامتنی، فزون‌متنی، بینامتنی و پیشامتنی» ارتباط میان متون را به‌صورت علمی و روشمند بررسی کرده است.

**الف) بینامتنی (intertextuality):** دسته نخست همان است که ژولیا کریستوا از آن به بینامتنی یاد می‌کند. ژنت این موارد را در کتاب زمینه‌ها بررسی کرد؛ اما تفاوت‌هایی میان بینامتنیت ژنت و بینامتنیت کریستوا وجود دارد. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) این بینامتنیت به مفهومی که در پسا‌ساختارگرایی به‌کار رفته، مطرح نیست؛ زیرا او این بینامتنیت را به «مناسبت هم‌حضور میان دو متن یا بین چندین متن» و به‌عنوان «حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» فرو می‌کاهد. (ژنت، ۱۹۹۷: ۲-۱) ژنت بینامتن را به سه دسته، بخش می‌کند که عبارت است از: «آشکار و لفظی»، «ناآشکار و پنهان» و «ضمنی». در بینامتنیت آشکار، نویسنده متن دوم نمی‌خواهد مرجع متن خود یعنی متن نخست را پنهان کند. از این دیدگاه، «نقل قول»، گونه‌ای از بینامتنی شمرده می‌شود. ژنت نیز، نقل قول را مثال می‌زند و می‌گوید: «در صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکلش عمل سستی نقل قول با گیومه یا بدون ارجاع است». (همان: ۲) در نقل قول، نویسنده، متن دوم بینامتن را جدا می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان حضور یک متن دیگر را در آن متن مشاهده کرد. نقل قول

را می‌توان به دو دسته بزرگ نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع تقسیم کرد. در بینامتنیت ناآشکار، مرجع بینامتن پنهان شده است و این پنهان‌کاری از روی بایستگی‌های ادبی نیست. سرقت ادبی - هنری به این دلیل که کاربرد از متنی دیگر بدون اجازه نویسنده و بدون یادآوری و ارائه بن‌مایه است، یکی از برجسته‌ترین گونه بینامتنیت ناآشکار محسوب می‌شود. در بینامتنیت ضمنی، گاهی نویسنده متن دوم، انگیزه پنهان‌کاری پیش‌متن را ندارد و از همین روی، نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با استناد به آن‌ها می‌توان به پیوند بینامتنی پی برد و بن‌مایه آن را شناخت؛ اما این عمل، هیچ‌گاه به گونه آشکار انجام نمی‌شود و به سبب انگیزه ادبی به اشاره‌هایی ضمنی بسنده می‌شود. کنایه‌ها، اشاره‌ها، تلمیح‌ها و... از این نوع به شمار می‌آیند.

ب) **پیرامتنی (paratextuality):** پیرامتنی به معنی «شکل‌دهنده متن ادبی در پیکر کتاب با ویژگی‌هایش است». (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) پیرامتن نشانگر آن عناصری است که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت یک متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی می‌کنند. این آستانه، شامل یک درون‌متن است که عناصری چون: عناوین، عناوین فصل‌ها، مقدمه‌ها و پی‌نوشت‌ها را دربر می‌گیرد و نیز، شامل یک برون‌متن است که عناصر «بیرون» از متن مورد نظر؛ نظیر مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، نقد و نظرات منتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان، نامه‌های خصوصی و دیگر مباحث مؤلفانه یا ویراستارانه را دربر می‌گیرد. پیرامتن حاصل جمع درون‌متن و برون‌متن است. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۸)

ج) **فرامتنی (metatextuality):** سومین دسته از مناسبات تعالی‌دهنده متن، «فرامتنی» است. ژنت بهترین شکل این مناسبات را «تفسیر نقادانه» می‌داند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) هنگامی که یک متن در رابطه‌ای «تفسیری» با متن دیگر قرار می‌گیرد، فرامتنی نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، «فرامتنیت یک متن مفروض را با متن دیگری متحد می‌کند که بدون الزاماً نقل کردن (بدون فراخوانی) و در واقع، گاه حتی بدون نام بردن از آن سخن می‌گوید». (ژنت، ۱۹۹۷: ۴)

د) **فزون‌متنی (architextuality):** فزون‌متنی به معنای کلی، جای گرفتن متنی در کلیتی از متون است و به معنای خاص، به شناخت ژانرهای ادبی مربوط می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) این اصطلاح در فارسی به صورت سرمتمنی، شمول‌متنی و مثال‌متنی نیز آمده است. سرشت سرمتمنی شامل انتظارات ژانری، وجهی، مضمونی و صوری خواننده از متون می‌شود. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۴۸)

ه) **زبرمتنی (Hypotextuality) و (hypertextuality):** زبرمتنی به معنای رابطه متنی متأخر با متنی متقدم است. مناسبتی که نمی‌توان آن را تفسیری و تأویلی دانست و بازگفت و نقل قول هم نیست. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰) این پدیده از دیدگاه ژنت، دربردارنده هرگونه مناسبتی است که «متن ب را - که آن را زبرمتن خواهیم نامید- با متن پیشین الف - که البته آن را زبرمتن خواهیم نامید- متحد کند و شیوه پیوند این دو، چنان نیست که متن ب تفسیر متن الف باشد». (ژنت، ۱۹۹۷: ۵)

## ۲. بحث اصلی

### ۲-۱. بینامتنیت با درون‌مایه آیات الهی

اخوان‌ثالث در شعرهای خود، درون‌مایه‌های آیینی برگرفته از قرآن را بازتاب داده است. او در مجموعه «تورا ای کهن بوم و بر دوست دارم»، می‌سراید:

آنان که در طریق خدا کشته می‌شوند      هرگز گمان مدار که نابود و مرده‌اند  
بل زنده‌اند و زنده جاوید و جملگی      گوی شرف ز عرصه آفاق برده‌اند  
(اخوان‌ثالث، ۱۳۶۸: ۲۰۷)

درون‌مایه زنده بودن کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، در آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» به معنی «و گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مردگانند، بلکه زندگانند و نزد خدا روزی می‌خورند» (آل عمران: ۱۶۹)، آمده است. اخوان با رویکرد به این آیه به عنوان زبرمتن، این شعر را سروده است. این سروده، بیان‌کننده درون‌مایه آیه یادشده است که از دیدگاه بینامتنیت ژنت، فرامتن به‌شمار می‌آید و از گونه بینامتنیت ضمنی است.



در شعری دیگر، اخوان از نهرهای بهشتی سخن می‌گوید که در قرآن نیز، به کیفیت آن اشاره شده است. شعر ذیل، بازمودی از آیه «عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» (انسان: ۱۸) است و در زمره بینامتنیت آشکار قرار می‌گیرد. شاعر با نگاهی توصیفی می‌سراید:

ناگهان دیدم که گویی در جوابش از بهشت

نهری از نور است جاری، به ز فیض سلسبیل

(اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۸۷)

اخوان ثالث در جایی دیگر از پنداره آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) سود می‌برد و مصرع‌هایی را در قالب شعر نو می‌سراید که به معنای بازگشت به سوی خداست؛ اما به گونه‌ای آشکار به برداشتش از این آیه اشاره نمی‌کند؛ بنابراین، نوع بینامتنیت، ضمنی است. او می‌سراید:

«ای ندانم چون و چند! ای دور! تو بسا کاراسته باشی به آیینی که دلخواه است /

دانم این که بایدم سوی تو آمد، لیک / کاش این را نیز می‌دانستم، ای نشناخته منزل!».

(اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۷)

انسان همیشه در بند بازی‌های سرنوشت و بداندیشی‌های شیطان است؛ اما از دیدگاه اخوان، باید دلیرانه سخن گفت، حتی اگر پاسخی در کار نباشد. شاعر در سروده ذیل به آیه «الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس: ۵) اشاره می‌کند؛ بنابراین، بینامتنیت در آن از گونه ضمنی است. شاعر قصد دارد آدمی را در موقعیت‌های یأس‌آور به سلاح امید و دلیری مجهز کند تا قادر به گذر از وسوسه‌های شیطانی باشد؛ به عبارت دیگر، اخوان بر آن است انسانی خودساخته و کمال‌یافته را که از هیچ نیروی پلیدی نمی‌هراسد، ترسیم کند:

«و بسیاری دلیرانه سخن‌ها گفت، اما پاسخی نشنفت / اگر تقدیر نفرین کرد یا

شیطان فسون، هر دست یا دستان / صدایی بر نیامد از سری» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۲۰)

یکی از ویژگی‌های چالش‌برانگیز شعر اخوان، نگاه فلسفی او به پدیده‌ها و مفاهیم دینی و تبیین رویکرد اعتراضی نسبت به آن است، به طوری که شعر او را به عنصری تابوشکن و هنجارگریز بدل می‌سازد. بر این پایه، او در شعر ذیل، کرام‌الکاتبین و یا فرشتگان نگهبان

خداوند را به سخره می‌گیرد و آنان را دروغگو می‌خواند. در متن ذیل، برداشت ضمنی از آیات «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ» (انفطار: ۱۱-۱۰) دیده می‌شود که در آن، خداوند به نوشته شدن اعمال نیک و بد از سوی فرشته‌ها اشاره کرده است. اخوان با نظر داشت این آیات و خلاقیت محتوایی و مضمونی، می‌سراید:

«گزارشگران تو گویا دگر / زبانشان فسرده‌ست، یا روز و شب / دروغ و دروغ

آوردندت خیر / کسی دیگر این‌جا تو را بنده نیست» (اخوان‌ثالث، ۱۳۶۹: ۷۱)

اخوان برای هشدار دادن به شنونده خود، از آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ كَفَّوْا عَنْهَا وَإِنَّ آلِهَتَهُمْ لَتَكْفُرُ بِهِمْ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (جمعه: ۵) بهره می‌گیرد و با برگردان این آیه، از آنان می‌خواهد به مثابه چهارپایانی نباشند که تنها حامل کتاب هستند و هیچ انتفاعی از محتویات آن نمی‌برند. این سروده که برگردانی از آیه قرآن است، با زیرمتن خود پیوندی فرامتنی دارد و از نوع بینامتنیت آشکار محسوب می‌شود. شاعر مفهومی اخلاقی را از این طریق به مخاطبان عام و خاص خود انتقال داده و آنان را از متوقف ماندن در ظواهر برحذر داشته است؛ بنابراین، خلاقیت شاعر تنها به مباحث زیبایی‌شناختی محدود می‌شود و به لحاظ محتوایی همچون متن متقدم عمل کرده است.

حکیمی که ت هزاران پند فرمود      خری، بارش کتابی چند فرمود  
نگر تا خر بدین غایت نباشی!      هلا! مصداق این آیت نباشی!

(اخوان‌ثالث، ۱۰۸: ۱۳۶۸)

اخوان با بهره‌گیری از آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» (توحید: ۳)، با رویکردی اعتراضی، مقوله حضور خداوند در عالم هستی را به چالش می‌کشد. البته می‌توان بازنمایی چنین عقیده‌ای را ناشی از شرایط روحی نامساعد شاعر در برهه‌ای خاص دانست، نه آن‌که صرفاً این دیدگاه را خدا ناباورانه تلقی کرد. شاعر که از گسست معنوی با خالق خود رنج می‌برد و به ماهیت این ارتباط پی نبرده است، با لحنی تند و عاری از آداب معمول با مخاطب خویش سخن می‌گوید و او را خطاب قرار می‌دهد. پیوند این سروده با زیرمتن خود، فرامتنی است و عبارت «ای لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ خدا» در این شعر،

پیرامتن شمرده می‌شود. همچنین، بینامتنیت در این بیت، از نوع آشکار است. خلاقیت محتوایی و هنری شاعر در سروده ذیل، هویداست.

ای بی‌پدر مادر خدا، هم در منی و هم جدا

کاری بکن تا باورم گردد که هستی، یا نه ای

(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۳۱۶)

اخوان در بحث پرداختن به مقوله خلقت، به قرآن توجه داشته و کم‌تر از چهارچوب‌های متن متقدم عدول کرده است؛ بنابراین جنبه تقلیدی در بیت ذیل، برجسته می‌نماید. هنگامی که خداوند انسان را آفرید، فرشتگان از این آفرینش ناخرسند شدند و گفتند: از این آفریده همه زمین مملو از ستم و تباهی خواهد شد. خداوند نیز در آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰) به فرآیند آفرینش می‌پردازد و کیفیت آن را شرح می‌دهد. شاعر در سروده ذیل، برداشتی آزاد از این آیه را در نظر دارد و به نوعی آن را ترجمه می‌کند. پیوستگی با زیرمتن در این سروده از نوع فرامتنی است؛ زیرا برگردان آیه و برداشت آن به حساب می‌آید. بینامتنیت به کار برده شده نیز، آشکار است. اخوان می‌سراید:

گویا فرشته راست گفت، از آدم و حوا زمین

پر ظلم و جور و فتنه شد، چون جنگلی، لانه‌ای

(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۳۱۶)

خداوند در آیه «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (توبه: ۷۰)، از گروه‌هایی سخن به میان می‌آورد که به سبب گناه و نافرمانی، گرفتار کفر و شکنجه الهی شده‌اند. اخوان ثالث با بهره‌گیری از این آیه، از خداوند می‌خواهد تا او را چون گروه عاد و ثمود گرفتار خشم خود نکند. بینامتنیت این شعر با زیرمتن خود از گونه بینامتنیت ناآشکار است و نوعی خلاقیت هنری و زیبایی‌شناسیک در متن دیده می‌شود.

چون ثمود و عاد، با جرم سدومی مان مکش

ور کشی، گو رحم دستی بر سر قانون کشد

(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۳۱۸)

یکی از معجزه‌های حضرت موسی<sup>(ع)</sup> شکافتن نیل و فرورفتن دشمنان بنی اسرائیل در آب است. این داستان دست‌مایه‌ای برای شاعران بسیاری قرار گرفته تا از طریق بازنمایی آن در آثار خود، مفاهیم مختلفی را شرح دهند. در آیه «فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۳۶) به این رویداد تاریخی و دینی اشاره شده است. اخوان با نظرداشت این ماجرا آن را به‌عنوان زیرمتن برمی‌گزیند تا با هشداری به مخاطبان غافل و غره خود، آنان را به بازنگری در رفتارهای خود فرامی‌خواند. او سعی دارد با یادآوری سرنوشت انسان‌های مغضوب، مخاطبان خود را به لحاظ اخلاقی اصلاح کند. بینامتنیت میان این شعر و متن قرآن، همچون زیرمتن بینامتنیت ناآشکار است. شاعر روایت قرآن را بازتعریف می‌کند و خلاقیتی در این زمینه به‌کار نمی‌بندد.

موسی چگونه بود که بر فرعون  
چون گور کرد عرصه هیجا را  
از بهر قبطیان ز چه رو خون کرد  
نیل جلیل، سفلی و علیا را  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۳۵۳)

## ۲-۲. بینامتنیت با واژگان آیات الهی

نویسه‌های آیینی به ویژه قرآن کریم در شعر معاصر یکی از زیرمتن‌های بسیار پرکاربرد است. به‌کارگیری این نویسه الهی و آیینی، به سروده‌ها ژرفا می‌بخشد و بر غنای محتوایی نویسه‌های شعری می‌افزاید؛ بنابراین، طبیعی است که شاعران برای نزدیکی به مردم و پسند خوانندگان سروده‌های خود به این متن توجه نشان می‌دهند. همچنین، بهره‌گیری از برجسته‌ترین کتاب آیین اسلام برای زیرمتن، نشان‌دهنده فرهنگ و آیین مردم ایران شمرده می‌شود. اخوان ثالث با همه کشش و دلبستگی که به فرهنگ ایران باستان دارد، از رویدادهای اسلامی و متن قرآن در تراز واژگان بهره می‌گیرد. در سروده ذیل، اخوان با نظرداشت آیه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزله:

۱)، عبارت «زلزلت الأرض زلزالاً» را انعکاس می‌دهد که تقلیدی ساختاری از کتاب الله است. بر اساس نظریه ژرار ژنت، بینامتنیت از نوع آشکار است. می‌توان مصراع اول را برگردانی از مصراع دوم و نیز پافشاری بر آن دانست. آیه قرآن برای پرهیز دادن انسان‌ها و بازداري آنان از گناه بیان شده است. اخوان از این طریق به مفهوم ترس در دوران کهن‌سالی اشاره می‌کند و می‌سراید:

بلرزانند هول قیامت دلش

و زلزلت الأرض زلزالاً او

(اخوان‌ثالث، ۱۳۶۸: ۷۰)

اخوان سروده‌هایی را آگاهانه با برگرفتن و تضمین از آیه‌های قرآن سروده است. او با عنایت به آیه «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلَّ هُمْ أَضْلُ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)، ایات ذیل را سروده است که در آن، منکران حقیقت، شأن و جایگاهی پایین‌تر از حیوانات دارند. بینامتنیت از نوع آشکار است و می‌توان آن را ترجمه‌ای آزاد از قرآن به‌عنوان زیرمتن تلقی کرد. همچنین، شاعر در پیرامتن (حاشیه) به این جستار، اشاره کرده است. تأثیرپذیری اخوان از قرآن به اندازه‌ای آشکار است که امکان خلاقیت و نوآوری را از او می‌گیرد. او آیه قرآن را دوباره روایت می‌کند.

همانا زند کافران را مثل اولئک أنعام، بلهم أضل  
به قرآن زنی منکران را مثل نه چون چارپایند، بلهم أضل  
(اخوان‌ثالث، ۱۳۶۸: ۲۰۸)

در بیت ذیل، اخوان نگاهی تحذیری دارد و به مخاطبانی که نسبت به قرآن ایمان کامل ندارند، هشدار می‌دهد که گرفتار عذاب الهی خواهند شد. او عیناً برخی واژگان قرآنی را که در آیه «وَ الَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ» (سبا: ۳۸) وجود دارد، در سروده خود انعکاس داده تا بر درستی سخن خود تأکید کند و بر باورپذیری مخاطبان بیفزاید. به بیان دیگر، اخوان‌ثالث کلام الهی را دست-مایه و سندی معتبر برای اعتبار بخشیدن به دیدگاه خود قرار داده است. بدین منظور،

او آشکارا بخشی از آیه را با نقل قول ذکر کرده است؛ بنابراین، می‌توان بینامتنیت را از نوع آشکار دانست.

عذاب سخت دوزخ وعده دادند      تبهکاران و کفار حرونا  
به قرآن این چنین فرمود و حق است      اولئک فی العذاب محضرونا  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۵)

شاعر در مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، با استناد به آیه‌های قرآن و ایجاد پیوندهای بینامتنی، شعر خود را قوام می‌بخشد و دیدگاهی اعتقادی و اخلاقی را تشریح می‌کند. از دید او، کسانی که به قرآن و خداوند ایمان دارند، طبق نص صریح کلام حق تعالی، به آرامشی حقیقی و بایسته دست می‌یابند. اخوان در بیت ذیل به زیرمتن مورد استفاده، اشاره کرده و نام قرآن را قید می‌کند. شاعر به آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (فتح: ۴) اشاره می‌کند و نقل قولی از آن می‌آورد:

یقین تصریح قرآن مبین است      سکینه فی قلوب المؤمنین است  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۸)

در سروده‌ای دیگر، اخوان آیه «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيرًا حَكِيمًا» (فتح: ۵) را تضمین کرده است تا به مبارزان در راه خدا امیدواری بخشد و بر کامیابی و پیروزی قطعی آن‌ها تأکید کند. این آیه در حکم دلیلی متقن برای راستی - آزمایی کلام شاعر محسوب می‌شود. بینامتنیت شعر با زیرمتن خود از گونه آشکار است و شاعر تنها به جابه‌جایی واژه‌های قرآنی در سروده خود بسنده کرده و آیه را با کم‌ترین تغییر آورده است:

به راه جهاد خدا خون و هستی      به جان عرضه کن، کان بود عرض لله  
ز دشمن چه باک است «جنداللهی» را      جنود السموات والأرض لله  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۸)

اخوان باورهای اسلامی خود را با عنایت به آیات قرآنی بازگو می‌کند. او گام به گام از قرآن مثالی ذکر می‌کند و سپس، نظرات خود را که کاملاً در راستای متن کتاب الله تعریف می‌شوند، بازگو می‌کند؛ بنابراین، اشعار او بازتعریفی از آیه‌های قرآن به

شمار می‌روند و همچون مقلدی عمل می‌کند. نوع بینامتنیت در بیت ذیل، آشکار است. در نتیجه، مخاطبان اشعار او با کم‌ترین تدقیق در امور دینی و قرآنی، به این تأثیرپذیری پی می‌برند. شاعر درباره بیت ذیل و تأثیر از قرآن می‌گوید: «از سوره مؤمنون آیه ۱۱: الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، قسمت موزونش: الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن فعلاتن، رمل مسدس مخبون است. چون سبحة جامی و تضمینش در فارسی چنان‌که من گفتم:

مؤمنان را چه بسی وعده و وصف کرده، گر زانکه وضعی‌اند و شریف  
الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ این‌چنین نیز کندشان توصیف  
(همان: ۴۷۸)

اخوان در بینامتنیتی آشکار به تضمین از آیه شریفه قرآن همچون زیرمتن پرداخته است. او در این بیت‌ها به وزن آیه‌ها توجه داشته است و با نگاهی به وزن‌های شناخته‌شده در شعر فارسی، تضمینی از آن‌ها را ذکر می‌کند. اخوان در بیت‌هایی دیگر، با بهره‌گیری از آیه‌های قرآن به گونه نقل قول و بینامتنیت آشکار با زیرمتن از آیات «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبُّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» (الرحمن: ۲۷-۲۶)، رویکردی تعلیمی را تشریح کرده است. به این معنا که از بی‌اعتباری دنیا و مافیها سخن می‌گوید و مخاطبان خود را از دل‌بستن به آن برحذر می‌دارد. حطام دنیا در نگاه اخلاق‌گرای اخوان ثالث هیچ جذابیتی ندارد و طبق گفته قرآن، آن را فانی و ناپایدار می‌شمارد. کلام الهی با هدف تأیید سخنان شاعر و نیز، تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته شده است:

گفت یزدان شنو ز الرحمان از زن ای مرد، پیر یا که جوان  
دل به دنیای دون منه هرگز بشنو: کل من علیها فان  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۹)

اخوان در بیت ذیل، ابتدا به برگردانی از آیه «لَا تَقْتُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳) می‌پردازد و در مرحله بعدی، این آیه را تضمین می‌کند تا مفهوم امیدواری و رجا را تبیین نماید. او با استناد به آیه مذکور،

تصویری مطلوب از خداوند ارائه می‌دهد و به مخاطبان خود یادآور می‌شود که هرگز از لطف و بخشندگی حضرت حق تعالی غافل و مأیوس نشوند. در این بیت، مصرع نخست برگردان بخشی از آیه و مصرع دوم دنباله همان آیه به گونه برداشت است؛ بنابراین، بینامتنیت از گونه آشکار محسوب می‌شود و خلاقیت شاعر در بیت ذیل، در کم‌ترین میزان و درجه قرار دارد.

گنه ار به غایت رسید مشو از خدا ناامید      دهدت به قرآن نوید، هو الرحیم الغفور  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۴)

در سروده‌هایی که اخوان از آیه‌های قرآن تضمین کرده، افزون بر این، به بهره‌گیری و پیروی از وزن‌های این آیات پرداخته است؛ مانند بیت ذیل که برداشتی از آیه «أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِرٍ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبا: ۱۱) است و وزن بخش «إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» یعنی فعولن فعولن فعول، بحر متقارب شاهنامه فردوسی را آورده است. زیرمتن این بیت، هر دوی این نویسه‌ها را دربر می‌گیرد. در نتیجه، بینامتنیت با شاهنامه فردوسی از گونه ناآشکار و با قرآن، از نوع آشکار است. اخوان می‌سراید:

چنین گفت پروردگار قدیر      و اینی بما تعملون بصیر  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۴)

بیت ذیل هم به مانند بیت بالاست. شاعر از آیه «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبا: ۲۴) تضمین کرده و با طرح پرسشی، مخاطبان خود را به چالش کشیده است. شاعر، مفهوم خدامحوری و توسل به او را تبلیغ می‌کند و طبیعتاً قرآن بهترین منبع برای تقویت هرچه بهتر دیدگاه تعلیمی و اعتقادی خود است. «این بیت بر وزن مفعول مفاعل مفاعیل (از مزاحفات هزج، وزن لیلی مجنون نظامی) است. اگر به حذف تعرف «ال» از کلمه بعدی آیه یعنی «والأرض» پردازیم، این قسمت از آیه را می‌توان بر وزن معروف رباعی، مفعول مفاعل مفاعیل فعول تقطیع کرد.» (اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۴)



ای رزق خوران ز خود بپرسید این را من یرزقکم من السماوات و أرض؟

(همان: ۴۷۵)

در زنجیره تضمین‌هایی که اخوان از سوره سبا داشته، آیه‌های «قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (سبا: ۲۵) و «قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ» (سبا: ۳۰) در سروده ذیل انعکاس داشته است. شاعر با آوردن الف اطلاق، وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» را به کار گرفته و خلاقیتی ادبی خود را منعکس کرده و از سوی دیگر، واژگان ساعه، یستقدمون و یستأخرون را از قرآن تضمین کرده است. محتوایی که در این دو آیه وجود دارد، به صورت مستقیم در اثنای ابیات دیده می‌شود. نوع بینامتنیت در شعر ذیل، از نوع آشکار است.

همانا دررسد روز قیامت	که ممدود است و اوصافش فزونا
چو بازار مکافات است، هر مرغ	به پای خویشش گردد سرنگونا
رسد «ساعه» به وقت و ساعتی نیست	در آن یستقدمون، یستأخرونا
نه کس از جرم ما پرسد شما را	ولاتسأل عما تعملوننا

(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۵)

اخوان در بیت ذیل، با هدف و انگیزه‌ای ملی‌گرایانه، برای ریشخندزدن به عرب‌ها و برتری دادن ایرانیان بر آن‌ها، از آیه «فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (مسد: ۵) به معنی «در گردنش (همسر ابولهب) ریسمانی از لیف خرما است»، سود می‌برد که شأن نزول آن، برای عمومی پیامبر<sup>(ص)</sup> به نام ابولهب بوده است؛ اما شاعر با نگاهی و رای رویکرد قرآنی، خوانشی جدید از آیه مذکور ارائه کرده است. بینامتنیت این بیت با زیرمتن خود از گونه آشکار است.

عرب‌ها بر عجم‌ها فرقتان چیست به جز «فِي جِيدِهِمْ حَبْلُ الْمَسَدِهَا»  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۱۵۵)

در آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷) و آیه «قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۴۷) و آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالَمُ  
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (انعام: ۷۳) و آیه «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ  
لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل: ۴۰) و آیه «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا  
يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (مریم: ۳۵) و آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»  
(یس: ۸۲) و ...، از خواست تکوینی خداوند و فرمانروایی او درباره آفرینش، سخن به  
میان آمده است. در ارتباط با وجه روشنگری این آیه باید گفت که هدف از بازگفت  
عبارت «كُنْ فَيَكُونُ» به معنی «هست باش، آن هم بی درنگ هست می شود»، آن نیست که  
خداوند صرفاً به صدور فرمانی لفظی با معنای «هست شو» بسنده کند؛ بلکه هدف  
بازنمایی این مفهوم است که هرگاه خواست و اراده حق تعالی بر بودن چیزی باشد، فارغ  
از بزرگی یا کوچکی و پیچیدگی یا سادگی آن، بدون نیاز به هیچ سبب دیگری پدیدار  
می شود. به بیان دیگر، در این آیه، قدرت بی مثال خداوندی تشریح شده است. اخوان با  
نظرداشت این مفهوم، در سروده ذیل، از این درون مایه سخن می گوید و عبارت «كُنْ  
فَيَكُونُ» را ذکر می کند. بینامتنیت این بیت ها بر اساس نظریه زیرمتن ژنت، فرامتنی شمرده  
می شود؛ زیرا این بیت ها بازگوکننده درون مایه آیه هستند و شاعر در کلیت آن به ستایش  
خداوند پرداخته است.

آنکه در روز ازل گفت جهان را شو شد و آنکه زین گونه بفرماید و فرمود تویی  
امر «کن فیکون» هست و خواهی بودن آفریننده هر «باش» و هر «بود» تویی  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۹۵)

خداوند در آیه «نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى  
أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ» (فصلت: ۳۱) به بندگانی که خدا را می پرستند و در راه  
او در برابر سختی ها ایستادگی نشان می دهند، مژده بهشت و موهبت های دیگری می -  
دهد. اخوان با به کارگیری مضمون ذکر شده در این آیه، در بینامتنیتی آشکار و با نقل  
قول به شنوندگان خویش گوشزد می کند که خداوند در قرآن چنین وعده هایی را  
بازگو کرده است. در دو حوزه محتوا و ساختار، اخوان کاملاً از قرآن تقلید کرده و  
خلاقیتی نشان نداده است.

شنیدی که خداوند قدیم وعده فرمود به قرآن کریم  
میوه و نان و شراب و نس خوب کُلُّ مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُ خُوبِ  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۳۲)

اخوان در شعر «ای خداخوانده خودآ»، پروردگار را ستایش می‌کند و از وی می‌خواهد تا به رنج‌های بی‌شمارش رسیدگی کند. در مصراع نخست این ستایش سروده، آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» (توحید: ۳) به‌کار گرفته شده و در مصراع دوم، ابعاد دیگری از آن بررسی شده است. بینامتنیتی که در این بیت وجود دارد، از گونه‌ی ضمنی است. در مجموع، اخوان ثالث با نگاهی توصیفی، از مقوله‌ای اعتقادی و دینی سخن گفته است.

هر دو کون از تو و با «لم یلد» و «لم یولد» گفت قرآن که نه والد تو، نه مولود تویی  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۹۵)

اخوان در شعر ذیل، از آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه: ۵) تضمین کرده است. او با جابه‌جایی و حذف واژگان، آیه را به‌کار می‌برد و در ادامه، به پیروی از زبان عربی به واژه‌سازی «الخمرا» می‌پردازد و در انتها واژه‌ی نستعین را ذکر می‌کند. این واژگان در سروده‌ی اخوان با انگیزه‌ی آیه؛ که برای پرستش و ستایش پروردگار آمده است، سازگاری ندارد؛ زیرا این بیت‌ها بیانگر آراء اعتراضی و انتقادی شاعر با لحنی هنجارشکن هستند. بینامتنیت در این شعر با زیرمتن خود، یعنی سوره‌ی فاتحه از گونه‌ی ضمنی است. اخوان می‌سراید:

کنستعین کنعبد من برجاست هم پای شناسم و هم جا را  
نک وقت نستعین من الخمراست بشناس خار و خار و خرما را  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۳۴۳)

اخوان بیت‌هایی دارد که در آن‌ها تنها به واژه یا واژگانی از آیه‌های قرآن کریم اشاره کرده و گاه معنای آیه‌ی مطبوع خود را آورده و گاه در معنایی دیگر و ناهمسو با آیه‌ها از آن‌ها بهره برده است. او در بیت ذیل، خوشه‌های واژگانی «موسی، وادی، ایمن و قبس» را ذکر کرده است که به آیه «وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى» (طه: ۱۰-)

۹) اشاره دارد. شاعر در این بیت‌ها، به درون‌مایه و معنای قرآن توجهی ندارد؛ بلکه تنها با ذکر واژه‌های «موسی، وادی، ایمن و قیس» خواننده را با ژرفای اندیشه خویش آشنا کرده است؛ بنابراین، بینامتنیت این شعر با زیرمتن خود از گونه ناآشکار است. تابنده باد مشعل می! کاندترین ظلام / موسی بشد به وادی ایمن / قیس نماند.  
(اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۰۸)

### ۲-۳. بینامتنیت با آیه‌های قرآن در ساختار بیرونی و شکل

از دیگر زمینه‌هایی که شاعران به برداشت از نویسه‌های دینی می‌پردازند، ساختار بیرونی این نویسه‌ها است. شاعر در این روش به بیان و چگونگی جمله‌بندی و ساخت و پرداخت شکل شعر می‌پردازد و بر اساس آن، به صورت ناگهانی و آشکارا، ساختار پاره‌ای از آیه‌ها و سوره‌های قرآن، در اندیشه خواننده پدیدار می‌شود. در شعر شاعران نوپردازی همچون: فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، شفیع کدکنی و احمد شاملو نمود این موضوع بیشتر دیده می‌شود. «بازنمودن و آشکارسازی همخوانی‌های ساختاری این سروده‌ها با قرآن، بیشتر دریافتی و حس‌کردنی است تا بازنمودنی و بیان کردنی». (راستگو، ۱۳۸۳: ۷۶) اخوان نیز در سروده‌های خود، وزن آیه‌ها را بارها مورد استفاده قرار داده است که نمونه‌هایی از آن‌ها پیش از این بیان شد. از دیگر مواردی که در این زمینه می‌توان گفت، کاربرد سوگند خوردن در قرآن است. بهره‌گیری اخوان، تنها از ساختار آیه‌ها نیست؛ بلکه او درون‌مایه و برگردان آیه‌های قرآن را نیز در شعرش می‌آورد؛ بنابراین، بینامتنیت از گونه آشکار و از دیدگاه ژنت، فرامتن است؛ زیرا بیان برگردان و درون‌مایه، زیرمتن نویسه به شمار می‌رود. برای مثال، در آیه «وَأَلَيْلٍ إِذَا يَعْشَى» (لیل: ۱)، اخوان از وزن و درون‌مایه‌ای هم‌سان استفاده کرده است. او از این طریق، معشوقه خود را خطاب قرار می‌دهد و با سوگند خوردن به موهای او، بر شأن و شوکت وی می‌افزاید:

«سوگند به شب، آن‌گاه که جهان را در خود فروپوشد/ زان خورم من به سیه‌زلف  
تو ای ماه قسم / که قسم، گاه توان خورد به شب‌های عزیز».

(اخوان ثالث، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

اخوان ثالث در حاشیهٔ مجموعهٔ شعری اش، دربارهٔ برداشت آزاد از آیهٔ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا: ۲۸) توضیح داده است. او در بینامتنیتی آشکار با اشاره در پیرامتن به برگرفتن و برداشت از درون مایه و وزن آیهٔ مطبوع خود پرداخته است.

آنکه پند و حکم گونه‌گون گفت  
اکثر الناس لایعلمون گفت  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۷۵)

او در بیتی دیگر به تضمین آیهٔ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف: ۱۳) می‌پردازد. به گفتهٔ اخوان، بخش نخست این آیه یعنی عبارت «رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا» موزون و آهنگین است و وزنی مشابه وزن افسانهٔ نیما یوشیج (فاعلاتن فعولن فعولن) دارد. شاعر بیت ذیل را برای مبارزان در راه خدا سروده است. این بیت وزن و انگیزه‌ای یکسان با آیهٔ قرآن دارد. بینامتنیت به کاربرده شده، در این آیه به سبب استفاده از واژگان از نوع آشکار است.

جمله تکبیرگویان سرودند  
رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا  
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۸۰)

## ۲-۴. بینامتنیت با داستان‌ها و بازگفت‌های قرآنی

### ۲-۴-۱. مسیح<sup>(ع)</sup>

حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> به عنوان یکی از شاخص‌ترین چهره‌های قرآنی شناخته می‌شود. در آیهٔ «وَجِبْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵)، به ویژگی‌های نیکو و منحصر به فرد ایشان اشاره شده که صاحب آیین و کتاب آسمانی بودن، پیشوای کاروان یگانگی و راهنمای خداپرستی بودن از آن جمله است. او از گروه برگزیدگان و نزدیکان ویژه در پیشگاه خداوند است که در جهان ذرّ در گروه پیام‌آوران جای می‌گیرد، یگانگی آفریدگار را می‌پذیرد و در این زمینه، از دیگر مردمان پیشی می‌گیرد. به همان اندازه که عیسی<sup>(ع)</sup> در دیدگاه مسیحیان، از منش و احترامی بی‌نظیر برخوردار بوده و به عنوان فرزند خداوند برگزیده شده است، در قرآن نیز، به شأن و شخصیت والای این پیامبر اشاره می‌شود. قرآن در آیهٔ «وَقَالَتِ الْنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ

الله» (توبه: ۳۰) با نگاهی انتقادی و اصلاحی به باور ابن‌الله بودن حضرت اشاره می‌کند؛ زیرا در اسلام، عیسی<sup>(ع)</sup> پیامبر پاک و آموزگار بزرگ یکتایی، خوی‌های نیک و روحانی است. او هرگز به صلیب کشیده نشده، بلکه خداوند او را به نزد خود برده و فرد دیگری که به لحاظ ظاهری شبیه او بوده، به سبب انجام کرداری نادرست، گرفتار و مصلوب شده است. در ارتباط با خوی والای این پیامبر در آیه ذیل مطالبی ذکر شده است: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ كَفَرُوا وَرَافِعُكَ إِلَىٰ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (آل عمران: ۵۵) به معنی: «(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم و کسانی را که از تو پیروی کردند تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم. سپس، بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم». همچنین، خداوند در قرآن خداوند می‌فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» (نساء: ۱۵۷) به معنی «و ادعایشان که ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشته‌ایم، حال آن‌که نه او را کشتند و نه به دار کردند، بلکه (حقیقت امر) بر آنان مشتبه شد و کسانی که در این امر اختلاف کردند و از آن در شک هستند (و) به آن علمی ندارند، بلکه پیروی از حدس و گمان می‌کنند و او را به یقین نکشته‌اند».

اخوان‌ثالث نیز، در سروده‌های خود به عیسی<sup>(ع)</sup> و مریم اشاره می‌کند. آنچه در شعر اخوان با کاربرد از این زیرمتن دینی و اسطوره‌ای دیده می‌شود، غالباً به برداشت‌ها و تلمیحاتی گذرا محدود می‌شود. اخوان در بخشی از مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، به برانگیخته شدن حضرت و اسطوره موعود اشاره می‌کند و نام این پیامبر را در کنار دیگر موعودانی ذکر می‌کند که ظهور آن‌ها در روزگار رنج و سختی به انسان نوید داده شده است. با وجود موتیف یأس که در مجموعه‌های شعری اخوان و منظومه فکری او نمود دارد؛ اما به دنبال راه‌گریزی از

این شرایط نامطلوب می‌گردد و بر این اساس، توسل جستن به نیروهای امدادی و الهی از جمله موعودان (سوشیانت، مهدی و عیسی) را پیشنهاد می‌کند. نام بردن از منجیان سه دین زرتشتی، اسلام و ترسایی نشان از آن دارد که شاعر بدون نظر داشت مرزهای اعتقادی، تنها به دنبال به وجود آوردن تغییراتی در وضعیت کنونی خویش و البته، کشور ایران است. افزون بر سویه‌های دینی، می‌توان برداشت‌هایی سیاسی از سروده ذیل داشت. به این معنا که اخوان ثالث نارضایتی سیاسی خود را با کاربست مفاهیم و عناصر دینی بازگو کرده و به مخاطب انتقال داده است:

«ز بیداد و بد، شهر ایران پر است / چه شد یا رب آن دادگر شهریار؟ / اگر مهدی است و اگر سوشیانت / و گر عیسی مریم، آن تاج دار». (اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۴۷)

اخوان در شعر «مرغ تصویر» از مجموعه «در حیات کوچک زندان در پاییز»، به عناصر زمینه‌ساز به صلیب کشیده‌شدن عیسی<sup>(ع)</sup> اشاره می‌کند. اگرچه شاعر این رویداد آیینی را به کار می‌گیرد؛ اما ریخت داستان و قهرمان آن را آگاهانه دگرگون می‌کند. در روایت ذیل، او در سایه کاربست اسطوره سامی عیسی<sup>(ع)</sup> بازتعریفی از زندگی خود ارائه می‌کند و گوشه‌ای از سختی‌ها و مصائب خویش را که با شرایط زیستی دشوار پیامبر خدا پهلو می‌زند، شرح می‌دهد. مسیح‌پنداری اخوان و کینه‌ورزی روزگار با او، تصویرسازی قابل‌تأملی است که شاعر ادعای آن را دارد. او همچون عیسی<sup>(ع)</sup> قصد دارد به مبارزه مشغول شود و در برابر فضای نامطلوب موجود، ایستادگی نشان دهد. همان‌طور که واژه کلیدی صلیب با مسیح<sup>(ع)</sup> گره خورده و به نمادی برای مقابله با اهل ستم بدل شده، در شعر اخوان ثالث، این کلیدواژه، قلم اوست که بر دوش می‌کشد و با آن، نظرات خود را بازگو می‌کند. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که اخوان ثالث به مبارزه فرهنگی و فعالیت‌های مدنی باور دارد و آن را راهی اثرگذار می‌شمارد. چنان‌که عیسی<sup>(ع)</sup> هم در مبارزه با ظالمان وقت، به روشنگری و ارتقاء سطح بیش و معرفت مخاطبان خود می‌پرداخت.

روان تنها و دشمن‌کام و بر دوشم قلم چون دار / مگر با عیسی مریم غلط کرده

است تقدیرم. (اخوان ثالث، ۱۳۹۱: ۷۳)

شیطان در باورهای پیشین الهه شر و بدی بوده و در آیین اسلام، فرشته ویژه‌ای دانسته شده است که از فرمان خداوند سرپیچی می‌کند و انسان را می‌فریبد و سبب هبوط نوع بشر از عالم ملکوت به عالم ناسوت می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره: ۳۶-۳۴) به معنی «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید! همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید، (و به دلیل نافرمانی و تکبرش) از کافران شد؛ و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید، (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد». بهره‌گیری از داستان شیطان، به مثابه زیرمتن در شعرهای اخوان، شکل و ساختی سطحی دارد و به صورت گسترده به بیان این رخداد اشاره‌ای نشده است. او شیطان را نمادی از شرارت و نافرمانی می‌داند و با استفاده از این مضمون، به شخصیت دووجهی خود اشاره می‌کند که گاهی نیمه الهی‌اش بروز پیدا می‌کند و راهبر فکری جبرئیل می‌شود و گاهی نیمه غیرالهی وجودش نمودار شده و به پیروی از شیطان مشغول می‌گردد.

«تا شدم ارادتمند این شرابِ گلگون را / هم مرادِ جبرئیل، هم مریدِ شیطانم».

(اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۶۸)

اخوان در سروده «توبه در خواب» از مجموعه «ارغنون»، رویداد فریفته شدن آدم از سوی ابلیس را ذکر کرده و به گونه‌ای ضمنی به زیرمتن اسطوره آفرینش و ابلیس اشاره می‌کند. در مونولوگی که شاعر روایت می‌کند، این مفهوم اصلی تبیین شده است که این شیطان هر لحظه در اندیشه فریفتن نوع بشر و ضربه‌زدن به حیثیت و اعتبار الهی و مینوی اوست:



«دوشم ابلیس سحرگاه به خواب آمده بود/ با ملولانه و پرطعن خطاب عجیبی،  
/ که شنیدم که تو را وسوسه توبه فریفت/ در دلت نیست دگر هیچ فروغ طلبی / گفت:  
اگر راست بگویی و پشیمان نشوی/ نیستی بچه آدم که تو چوبی و حطبی!»،  
(همان: ۱۹۰-۱۸۹)

## ۲-۴-۳. موسی (ع)

حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران اوالوالعزم بنی اسرائیل و دارنده کتاب تورات است. او از تولد تا پیامبری را با رخداد‌های شگفتی سپری می‌کند. ابتدا از سوی مادر به آب سپرده می‌شود و به دست فرعون و همسرش پرورش می‌یابد. سپس، از قصر می‌گریزد و سال‌ها به چوپانی مشغول می‌شود و همسر مطبوعش را می‌یابد. در راه سفر، آتشی در وادی ایمن می‌بیند و با اراده الهی به پیامبری برگزیده می‌شود. عصای او همچون اژدهایی می‌شود و با آن، رود نیل را می‌شکافد و با همراهانش از آن می‌گذرد و ... این‌ها همه عناصری است که موسی (ع) را همچون الگویی برتر به مخاطب معرفی می‌کند. در گستره ادب فارسی، به ابعاد مختلف زندگی این پیامبر، اشاره شده است. اخوان نیز برای بازنمایی آراء خود، از این عناصر و رویدادها سخن به میان آورده است. او در سروده ذیل، به ماجرای بعثت حضرت توجه می‌کند و این مقوله را با کاربست خوشه‌های واژگانی «قبس، وادی ایمن و مشعل» نشان می‌دهد. امکان برداشت‌های سیاسی از این سروده وجود دارد. به نظر می‌رسد؛ شاعر با استفاده از مفهوم و رویدادی دینی، نقدهای مرتبط با سیاست وقت را شرح داده و از شرایط موجود ابراز نارضایتی کرده است:

تابنده باد مشعل می! کاندرین ظلام / موسی بشد به وادی ایمن / قبس نماند.

(اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۰۸)

اخوان ثالث در شعر دیگری، با اشاره به رخداد بعثت موسی (ع)، به توصیف لحظه دیدار خود با معشوقه‌اش می‌پردازد و بر کیفیت معنوی و تعالی‌بخش پیوند خود تأکید می‌کند. زیرمتن ذکرشده در این شعر، نویسه قرآن و داستان این پیامبر در آن است.

## ۲-۴-۴. اصحاب کهف

اصحاب کهف (پاران غار)، گروه کوچکی بودند که از ستم دقیانوس، به غاری پناه بردند و به فرمان خداوند در آن مکان به خواب فرورفتند و بنا بر نص صریح قرآن (کهف: ۲۵)، این وضعیت به مدت ۳۰۹ سال به طول انجامید. دقیانوس به دنبال آن‌ها برخاست و چون نتوانست در غار شود، ورودی غار را دیوار گرفت. نام ایشان را بر لوحه‌ای نوشتند و بر دروازه‌ها آویختند و افزون بر این، زیر تابوت دفن کردند تا آیندگان از آن باخبر شوند. از این روی، به آن‌ها اصحاب رقیم نیز گفته‌اند. هنگامی که این افراد به خواست خداوند بیدار شدند، بر این گمان بودند یک روز یا بخشی از روز را به خواب رفته‌اند. (کهف: ۱۹) یکی از آنان به نام تملیخا یا یملیخا برای خریدن غذا به شهر آمد و مردم را بر دین عیسی<sup>(ع)</sup> یافت و ساختار شهر را متفاوت دید. هنگامی که سکه‌ای قدیمی در دست او دیدند، به گمان این‌که گنجی باز یافته است، به پیشگاه فرمانروا رفت و این‌گونه داستان او و یارانش آشکار گردید. (یاحقی، ۱۳۷۵: ۹۳) اخوان ثالث نیز، به خواب اصحاب کهف که نتیجه مبارزه با ستمگران وقت و در جهت حمایت از توحید و یکتاپرستی بوده، اشاره کرده است. شاعر در سروده ذیل از «آخر شاهنامه» (همگنان غار)، اگرچه در کلیت روایت به قرآن و تورات توجه دارد؛ ولی در مواردی به صورت آگاهانه و هدفمند، هنجارگریزی‌هایی انجام داده است. بر این پایه، از دیدگاه شاعر، دقیانوس زمانش نامیراست تا جایی که پس از خواب چندسده‌ای، بیداد و ستم‌پیشگی او همچنان پابرجاست و دروغ شاعر از همین روی است. همان‌طور که هویداست، شاعر با نگاهی سیاسی به این داستان نگریسته است. در باور شاعر، فضایی از ناامیدی و عدم کنشگری در سراسر جامعه نمود دارد و کسی به آن میزان از خلوص نیت اصحاب کهف نرسیده است که با درک و دریافت حقیقت راستین، به مقابله با بیداد پردازد. او با ذکر جامعه زمان دقیانوس، جامعه زمان خود را یادآور می‌شود و با نگاهی چندلایه و استعاری، در

ذهن مخاطبان خود تولید فکر می‌کند و آن‌ها را به بازنگری در کیفیت اندیشگانی خویش فرامی‌خواند. این سروده بینامتنیت آشکار با داستان اصحاب کهف دارد که شاعر، خود به این برداشت اشاره می‌کند. او با به‌کارگیری دانسته‌های خویش دربارهٔ رخداد مذکور، به بازخوانی آن می‌پردازد. در سرودهٔ اخوان‌ثالث، پیروزی‌ها و سربلندی‌های ایران به پایان رسیده است. پیشینه و فرهنگی که در زمانهٔ او بی‌اعتبار شده و سکه‌اش خریداری ندارد. مردمی که چون اصحاب کهف به خواب رفته‌اند و این خواب به صبحی شیرین پایان نمی‌یابد؛ اما دریغا که دقیانوس زمان آن‌ها جاودان است. شعر با عناصر برآمده از داستان اصحاب کهف مانند خواب چندین‌ساله، غار، سکه‌های بی‌اعتبار و دقیانوس پیوند خورده است. در مجموع، شاعر با اشاره به نامیرایی دقیانوس، به مبارزه با نویسهٔ پیشین رفته و از چهارچوب‌های ساختاری و محتوایی آن، عدول کرده و روایت خاص خود را از آن ارائه داده است.

ما / فاتحان شهرهای رفته بر بادیم / با صدایی ناتوان‌تر ز آن‌که بیرون آید از سینه  
 / راویان قصه‌های رفته از یادیم / کس به چیزی، یا پیشیزی، برنگیرد سکه‌ها مان را /  
 گویی از شاهی ست بیگانه / یا ز میری دودمانش منقرض گشته / گاه‌گه بیدار  
 می‌خواهیم شد زین خواب جادویی / همچون خواب همگان غار / چشم می‌مالیم و  
 می‌گوییم: آنک، طرفه قصر زرنگار / صبح شیرین کار / لیک بی‌مرگ است دقیانوس /  
 وای، وای، افسوس. (اخوان‌ثالث، ۱۳۸۵: ۷۷)

### نتیجه‌گیری

یکی از زیرمتن‌هایی که اخوان‌ثالث برای سروده‌های خویش به‌کار برده است، قرآن کریم است. بهره‌گیری اخوان از آیات الهی را می‌توان در چهار بخش: درون‌مایه، واژگان، ساختار بیرونی و رخدادهای قرآنی، بررسی کرد. در سروده‌های شاعر، کاربرد بینامتنیت واژگانی با آیه‌های قرآن در سنجش با دیگر دسته‌های بینامتنی بیشتر است. این تأثیرپذیری عمدتاً به شکل برداشت و نقل قول مستقیم نمود دارد. به این اعتبار، باید این بینامتنیت را آشکار یا ضمنی برشمرد. رخدادهای آیینی که در سروده‌های اخوان به آن‌ها اشاره شده، عبارت است از: ۱) مسیح<sup>(ع)</sup> شامل مواردی چون:

بازنمایی اسطوره موعود و ترویج فرهنگ مبارزه با ستم؛ ۲) موسی (ع) شامل مواردی چون: نقد سیاسی، انعکاس دغدغه‌های شخصی و غنایی؛ ۳) شیطان شامل مواردی چون: دوجهی بودن شخصیت نوع بشر، خوانش سنتی از دین و ۴) اصحاب کهف شامل مواردی چون: برداشت‌های سیاسی و اجتماعی است. شاعر در بهره‌گیری از این رویدادها، به‌گونه‌ای گذرا و سطحی عمل کرده و غالباً به اشاره بسنده می‌کند. او با انعکاس نویسه‌های قرآنی در مجموعه شعرهای خود، موفق به بازنمایی و تبیین مسائل سیاسی، اعتقادی، توصیفی، اعتراضی - فلسفی، اخلاقی و غنایی شده است که این امر بر چندلایگی و استعاری بودن سروده‌های او می‌افزاید و امکان خوانش‌های متنوع از اشعارش را فراهم می‌آورد.

### منابع و مآخذ

#### الف) کتاب‌ها

۱- قرآن کریم.

۲- احمدی، بابک، (۱۳۷۸)، ساختار و تأویل متن (نشانه‌شناسی و

ساختارگرایی)، تهران: مرکز.

۳- اخوان‌ثالث، مهدی، (۱۳۴۸)، زمستان، چاپ سوم، تهران: مروارید.

۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۸)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم،

تهران: مروارید.

۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹)، ارغنون، چاپ هشتم، تهران: مروارید.

۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰)، از این اوستا، چاپ نهم، تهران: مروارید.

۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، آخر شاهنامه، چاپ هفدهم، تهران: مروارید.

۸- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱)، سه کتاب، چاپ هفدهم، تهران: زمستان.

۹- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.

۱۰- راستگو، محمد، (۱۳۸۳)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ

سوم، تهران: سمت.

۱۱- نامورمطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، تهران: سخن.

۱۲- یاحقی، محمدتقی، (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات

فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.

۱۳- Genette, G, (۱۹۹۷), Palimpsests: Literature in the Second Degree, Channa Newman & Clude Doubinsky (Trans), London: University of Nebraska Press.

### ب) مقالات

۱۴- بادلو، الهام و امیراحمدی، ابوالقاسم و عشقی سردهی، علی، (۱۳۹۷)، «بررسی مؤلفه‌های اعتقادی در اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچه نظریه بینامتنیت»، مجله پژوهش‌های اعتقادی- کلامی، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۵۱-۷۲.

۱۵- موسوی، سید کاظم، (۱۳۸۲)، «تجلی قرآن و حدیث در اشعار مهدی اخوان ثالث»، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۳، صص ۵۳-۶۷.

۱۶- واعظزاده، عباس و قوام، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، «جلوه‌های مختلف خداباوری در شعر اخوان، فروغ و شاملو»، مجله جستارهای ادبی، سال ۴۳، شماره ۱۶۸، صص ۲۵-۴۹.